

هو الحکیم

عنوان:

برهان حرکت در اثبات وجود پروردگار

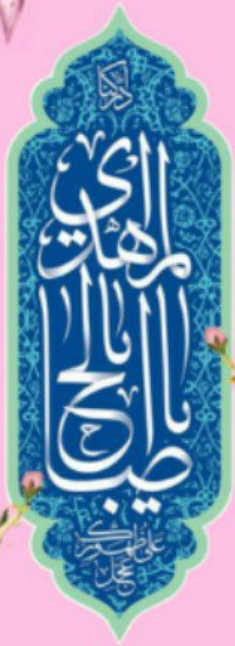


دکتر وحید باقر پورکاشانی



«SERATEHAGHI»





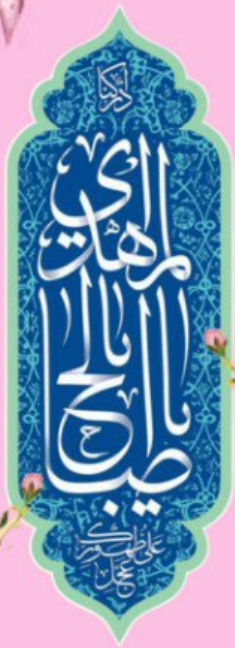
Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM_12

Join > @serat12k

ما می‌بینیم هر تغییری هم که در ماده صورت می‌گیرد، مثلاً ببینید ماده دارای حرکت هست، حالا ما اگر حرکت جوهری را هم قبول نکنیم، حرکت در اعراض را حساب بکنیم، ماده دارای چهار حرکت هست: يك حرکت در این داریم (با الف) یعنی يك شیئی از شیء دیگری حرکت بکند، از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر؛ يك حرکت در وضع داریم؛ شیئی به حول خودش بخواهد بچرخد، چرخش کروی زمین به حول خود، که این به وجود آورنده‌ی شب و روز هست، این حرکت وضعی زمین هست؛ و حرکت این کروی زمین به حول خورشید، این حرکت در این هست، که سال را در خصوص با آن مطرح می‌کند؛ پس این دو حرکت يك حرکت در کم داریم، يك حرکت در کیفیت داریم حرکت در کم، حرکت در کمیت هست یعنی فرض بکنید يك دانه‌ی لوبیا را که شما کاشتید، این يك جوانه‌ای زده، تبدیل به يك بوته‌ی لوبیا بشود؛ این حرکت در کم هست. يك نهال چنار را که کاشتید، تبدیل به يك درخت چنار شود! این حرکت در کم هست.

حرکت در کیف، حرکت در کیفیت هست.



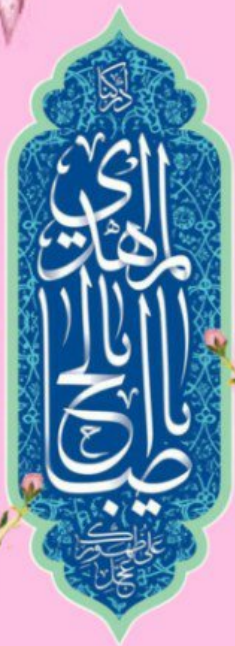
J0in > «SERATEHAGH1»

J0in > «MAHDISM_12»

J0in > «serat12k»

→ [صراط حق]

یعنی فرض بکنید يك سیبی که شما دارید، این سیب به قول ما مشهدی‌ها کق هست، کق یعنی نارس. این سیبی که کق یا نارس هست، رنگش سبز هست، وقتی بگذاریم برسد، این سیب کم به کم زرد می‌شود! البته سیب فرانسوی هم داریم! از همان اول سبز هست تا آخر هم سبز می‌ماند! حالا فرض بکنیم از همین سیب‌های قدیمی که از فرانسه وارد نکردند! از آن سیب‌های سبز سفت، کق هست به قول ما مشهدی‌ها، می‌گذاریم می‌رسد، این تبدیل به رنگ قرمز می‌شود، یا رنگ زرد می‌شود؛ این حرکت در کیف است؛ زیرا کیفیت شیء تغییر می‌کند. لذا ما چهار حرکت داریم در خصوص ماده: حرکت در این، حرکت در وضع، حرکت در کم، حرکت در کیف. همه هم ممکن است با همدیگر باشد؛ یعنی چطور باشد؟ یعنی فرض کنید این شکوفه‌ای که کوچک بوده تبدیل به سیب شده، این شده حرکت در کم؛ رنگش هم تغییر کرده، شده حرکت در کیف. حالا این کره‌ی زمین هم به حرکت هست در حینی که آن هم دارد حرکت می‌کند،



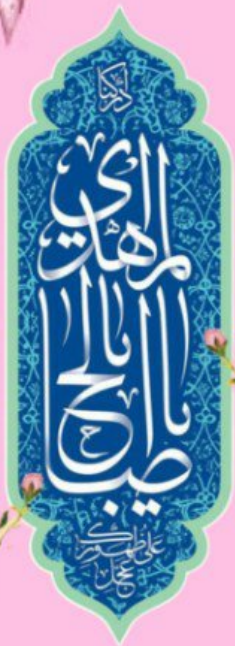
Join > «SERATEHAGHI»

Join > «MAHDISM_12»

Join > «serat12k»

پس این، به عرض هست، به واسطه‌ی کوهی زمین،
آن هم به حرکت در می‌آید؛ این می‌شود حرکت در این.
یا يك بچه‌ای این نهال را تکان می‌دهد،
این سیب از این سمت به آن سمت حرکت می‌کند،
این می‌شود حرکت در این. حرکت در وضع را هم
که نگاه بکنید يك بچه‌ای این سیب را می‌چرخاند
یا اگر هم نچرخاند، به هر حال به چرخش زمین،
آن هم در چرخش هست؛ این چهار حرکت مطرح هست.
ببینید در تمام این حرکت‌ها حدوث خوابیده؛
حرکت این، حرکت وضع، حرکت کم، حرکت کیف؛
این‌ها همه عدم این حالت هستند مثلاً سیبی که الآن
قرمز هست، عدم سبزی را دارد! مسبوق به عدم
این حالت قبل هست! حالتش را باید از دست بدهد،
نمی‌شود در حینی که سبز باشد، قرمز باشد! یا شکوفه‌ای که
تبدیل به سیب شده، این مسبوق به عدم هست؛ یعنی چه؟
یعنی دیگر حالت شکوفه‌ای را ندارد عدم حالت قبل هست،
موجودیت جدیدی پیدا می‌کند، موجودیتی که الآن
برایش مطرح می‌کنیم؛ رشد می‌کند. یا مثلاً فرض بکنید

→ [صراط حق]



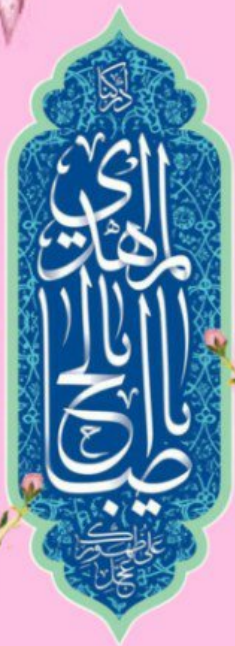
Join > «SERATEHAGH1»

Join > «MAHDISM_12»

Join > «serat12k»

→ [صراط حق]

يك اتومبیلی که از این سمت به قول مشهدی‌ها
میلان (کوچه)، به آن سمت میلان حرکت می‌کند؛
یا شما فرض کنید سوار موتور شدید و دارید گاز می‌دهید
از این سمت کوچه به سمت دیگر کوچه، شما
لحظه به لحظه که هستید دیگر آن حالت قبل نیستید!
شما الآن يك متر از کوچه رفتید، سر جای اولتان هستید؟
عدم حالت قبل هستید! دو متر رفتید، پس عدم يك متر
هست! سه متر رفتید، پس عدم يك متر و دو متر هست!
عدم هست! در تمام این‌ها حدوث خوابیده! لذا يك برهانی
که متکلمین استفاده کردند و نیز در فرمایشات
معصومین علیهم‌السلام هم هست، برهان این هست که:
«العالم متغیر کلّ متغیر حادث العالم حادث».
شکل ارسطویی درآوردند، شکل اول در منطق ارسطویی
درآوردند. می‌گوید عالم چیست؟ متغیر هست،
هر چیزی که نگاه می‌کنی تغییر می‌کند!
هر هفت سال کل سلول‌های شما تغییر می‌کند. یعنی چه؟
یعنی سلول‌های جدیدی می‌آید، سلول جدیدی که آمده،
هفت سال قبل این سلول را نداشتید، هفت سال
قبل که این سلول‌های الان نبوده! این تغییر هست!



Join > «@SERATEHAGH1»

Join > «@MAHDISM_12»

Join > «@serat12k»

→ [صراط حق]

یا شما این قد و قواره را که همیشه نداشتید!
شما اول کوچک بودید،

طبیعتاً به استقرایی که نسبت به خیلی‌ها داشتیم،
مثل حضرت آدم علیه‌السلام بزرگ نبودند!
معمولاً کوچک بودند، کم‌کم رشد می‌کنند؛
این حرکت در کم داشته؛

شما الان عدم طفولیت و نوجوانی را دارید.
هم کمش و هم کیفش تغییر می‌کند.

این‌ها نوعی کیفیت به وجود می‌آورد

کیفیتش تغییر می‌کند. یا اخلاقیات و روحیات
دم‌ها تغییر پیدا می‌کند، حرکت در کیف هست.
عضی‌ها يك زمانی قالتاق و دزد و جنایتکار بودند،

توبه می‌کنند! این کیفش تغییر کرده!

حالتش تغییر کرده! ببینید تمام این‌ها

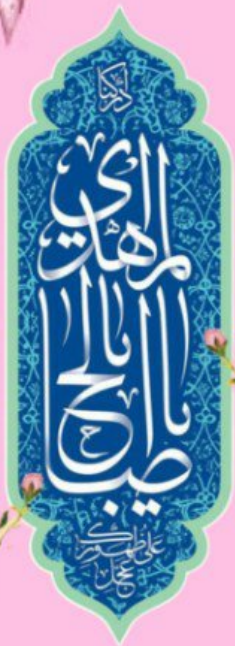
تغییر هست. این تغییرها را نگاه می‌کنید،

نسبت به حالت، مسبوق هستند.

حرکت برابر با حدوث هست.

حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر.

حتی جمعی حرکت در جوهر را قبول داشتند،



Join > «@SERATEHAGH1»

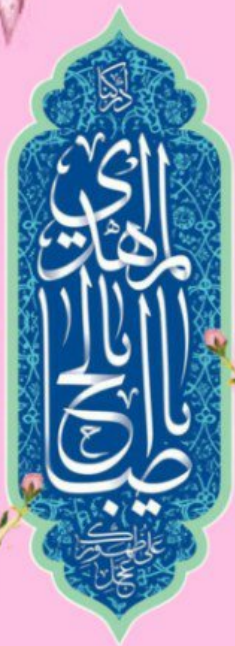
Join > «@MAHDISM_12»

Join > «@serat12k»

→ [صراط حق]

که حالا من به دلایلی حرکت در جوهر را قبول ندارم،
نگاه من مثل نگاه ابن سینا هست.
ملاصدرا حرکت در جوهر را از اصول
یازده گانه‌ی اسفارش مطرح می‌کند.
من حرکت در جوهر را اشکال می‌بینم.
به خاطر اینکه دیگر این‌جا موضوع ثابت نمی‌ماند،
یعنی آن چیزی که متحرك هست دیگه ثابت نمی‌ماند
که بعداً به آن اطلاق حرکت شود.
حرکت در جوهر را در چند جلسه توضیح دادم،
نقدهای خودمان را هم بیان کردیم،
در سایت هم هست، سرچ کنید
حرکت در جوهر مشخص می‌شود.
اما جمعی حرکت در جوهر را قبول دارند،
یعنی می‌گویند آن به آن، بطن و
کتم و ذات تو آن قبلی نیست! اصلاً وجودت،
موجودیتت، روحت، جسمت، آن قبلی نیست!
ذات شیء صیوررت دارد، صیوررت درونی دارد،
تکامل دارد، اشتداد وجودی دارد، تحول درونی دارد،
به سمت تکامل پیش می‌رود.





Join > «@SERATEHAGHI»

Join > «@MAHDISM_12»

Join > «@serat12k»

→ [صراط حق]

این نظریه‌ی حرکت در جوهری هست
که در خصوص ماده البته مطرح کردند،
این را ملاصدرا گفته،
و این نظریه را حتی هگل هم مطرح کرده.
منتها هگل خداپرست بود،
هگل الهی بود، تکامل عالم را این‌طوری توضیح داد.
گفت ما يك تتر داریم؛
تتر، آنتی‌تتر خودش را تولید می‌کند،
مخالف خودش را تولید می‌کند،
در تضاد با هم هستند؛
در پرتوی تضاد، سنتز به وجود می‌آید،
باز سنتز، يك آنتی‌تتر خودش را تولید می‌کند،
باز سنتز دیگری به وجود می‌آید؛
آمده ذات را به این شکل مطرح کرده.
مارکس، شاگرد هگل چه کار کرد؟
خدا را منها کرد، گفت عالم ماده همین بوده!
همین‌طور به تکامل رسیده!
آمد مثلث هگل را برداشت،
منهای خدا این را مطرح کرد.